

## گفتگوی مریم فیروز با خبرنگاران اعزامی "اومانیته" به ایران

روزنامه "اومانیته" چاپ فرانسه، که در آستانه انتخابات ۸۰ ریاست جمهوری ایران گزارشگران خود را به ایران اعزام کرده بود، علاوه بر گزارش‌های مربوط به این انتخابات، سلسله مطالبی را نیز که توسط این گزارشگران تهیه شده بتدریج منتشر می‌کند. انتشار مصاحبه با آیت‌الله منتظری و دیدار و گفتگو با مریم فیروز از جمله مطالبی است که این گزارشگران در جریان سفر به ایران تهیه کرده‌اند.

گفتگو با مریم فیروز، که در آپارتمان مسکونی وی انجام شده، در شماره ۲۲ ژوئن اومانیته منتشر شده‌است، که ترجمه فارسی آن را به نقل از اومانیته می‌خوانید:

# پایان سلطنت دستاورد مهم انقلاب ایران!

مریم فیروز، زنی باریک اندام و سالخورده، با موهای سپید، که روی آن شال رنگارنگی بعنوان حجاب انداخته است، پوششی که در جمهوری اسلامی اجباری است.

این چهره افسانه‌ای جنبش زنان ایران ما را در خانه کوچک خود در تهران پذیرفته است. خانه‌ای که او در آن به تنهایی زندگی می‌کند، یا بهتر است گفته شود با خاطره همسر خود "نورالدین کیانوری" دبیراول سابق حزب توده ایران زندگی می‌کند. آنها، پس از دهسال زندان و دوری و رنج تصور ناپذیر، در این آپارتمان کوچک سکونت یافتند. در جای جای خانه، کیانوری همچنان حضور دارد. در گوشه اتاق نشیمن، مریم به ما صندلی را نشان داد که شوهرش برای آخرین بار، پیش از مرگ بر روی آن نشسته بود. بر روی صندلی هنوز عینک و کتاب‌هایی که همسرش می‌خوانده برجاست. گوئی چند لحظه‌ایست که به تنهایی برای گردش روزانه از منزل بیرون رفته‌است!

به آن صندلی اشاره می‌کند و می‌گوید: «من هرگز قطره اشکی هم نریختم، چرا که او برای من هنوز آنجا نشسته‌است!»  
واقعیت اینست که آن دو زندگی نامتعادلی داشتند. مریم شاهزاده‌ای از خاندان قاجار بود که بعدها در سل ۱۳۰۴ رضا پهلوی جای آن را گرفت و شوهرش آرشیکتی نامدار از خانواده‌ای روحانی بود. هر دو با نفرت از استبداد سلطنتی کمونیست شدند. «من شی را به خاطر دارم. آن موقع شش ساله بودم. نورهایی از میان درختان باغ دیده می‌شد. دایه‌ام گفت که می‌خواسته‌اند پدرم را بکشند. از آن شب به بعد، من تمام عمر را با احساس خطر زندگی کرده‌ام. خطر برای پدرم، برادرانم، شوهر، رفقایم و خودم.»

این که شاه هرگز نتوانست او را به دام بیاندازد را اینطور برایمان نقل می‌کند:

«من در محله‌های فقیر نشین جنوب شهر پنهان می‌شدم. رفقای کارگر مراقم بودند. شبهای بسیاری در خیابان‌ها گذراندم. در زیر چادر، در میان روسپی‌ها پنهان شدم. آنها هرگز نتوانستند مرا بیابند.»

در سال ۱۹۸۳ او و شوهرش توسط ماموران امنیتی جمهوری اسلامی دستگیر شدند. خمینی را هر دوی آنها در رسیدن به قدرت وسیعاً یاری رسانده بودند. «من از همان روز نخست از او پشتیبانی کردم و با وجود همه آنچه که پیش آمده‌است، اگر آن دوران تکرار شود، باز هم اینکار را خواهم کرد. امروز حتی از یک روز زندگی خودم هم پشیمان نیستم. هر چند که آسان نبود. ۶۰ سال مبارزه، دهسال زندان، ۲۰ سال تبعید. اما امروز هنوز بر روی پای خودم ایستاده‌ام و به اندیشه‌هایم وفادارم و خود را پیروز می‌بینم، چرا که ما توانستیم امری فوق‌العاده را تحقق بخشیم: سرنگونی سلطنت در ایران»

اگر با او مخالفت شود و گفته شود، که حالا رژیم مستبد دیگری جانشین سلطنت شده، مریم اعتراض می‌کند:

«آیا انقلاب فرانسه دوران ترور و ناپلئون را همراه نداشت؟ آیا شما قبل از دستیابی به جمهوری لائیک سه انقلاب و چند بازگشت را پشت سر نگذاشتید؟ چرا ما باید بتوانیم آنچه را شما در ظرف دویست سال بدست آوردید، در عرض بیست سال بدست آوریم؟»

از نظر او، اکنون ایران در مسیری درست گام بر می‌دارد. عکس‌های رئیس جمهور خاتمی در کنار عکس‌های کیانوری و نواده‌هایش زینت بخش اتاق است. «من به خاتمی احترام می‌گذارم و به او رای داده‌ام. مردم او را دوست دارند. من نگران زندگیش هستم. خواهید دید که خطرات بسیار در برابر او قرار خواهد داشت.»

امر مهم مریم سالمند، همچنان زنان است. موضوعی که او با احساس بسیار پیرامون آن سخن می‌گوید. این درک وضعیت زنان در ایران بود که او را کمونیست کرد. «در ابتدا بر اثر کینه از شاه به حزب پیوستم، اما بعداً کیا فقر مردم را نشانم داد. دخترهای هفت‌ساله‌ای را دیدم که آنان را برای ازدواج می‌فروختند. از آن زمان تصمیم گرفتم مبارزه کنم. ما دستاوردهای زیادی داشتیم: آموزش، حق کار، حق رای، شرکت در سیاست. اما هم چنان زنان هستند که بار سنگین‌تر زندگی را بر دوش می‌کشند. هنوز هم بشدت خشمگین می‌شوم وقتی زنانی را می‌بینم که بچه‌ای به گردن دارند و زنبیلی بر کول که به آن کودک دیگری آویزان شده‌است و مردی که در جلو می‌رود و حتی به پشت سر خود نگاه هم نمی‌کند. هنوز مبارزه طولانی باید کرد تا این وضع تغییر کند.» و سپس به خودش اشاره می‌کند و با افسوس می‌گوید: «یک عمر کافی نیست!»